

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۹ می ۲۰۱۶

"اسناد پاناما": یک افشاگری مهندسی شده!

افشای اسناد پاناما که از آن به عنوان "بزرگترین افشاگری اطلاعات در تاریخ" نام برده می شود، یک بار دیگر گوشه ای از فساد و برانگیزدگی ذاتی نظام سرمایه داری در سطح جهانی را به نمایش در آورد و نفرت افکار عمومی جهان نسبت به دزدان و تبهکاران حاکم بر این سیستم پوسیده و فاسد و علیه نابرابری های موجود را برانگیخت. در اثر افشای اسنادی که مربوط به سال های ۱۹۷۷ تا ۲۰۱۵ (یعنی قریب به ۴ دهه) می باشند، برخی مقامات دولت ها نظیر نخست وزیر ایسلند در میان موج خشم و نفرت مردم این کشور و تظاهرات گسترده آن ها مجبور به استعفاء شدند. این افشاگری ها همچنین دولت پاناما را شدیداً به دست و پا انداخت و در مقابل تهدید سایر دولت ها نظیر فرانسه، رئیس جمهور این کشور عاجزانه قول "تحقیق" و "همکاری در تحقیقات" را داد و از صاحبان سرمایه ها – که علی رغم این افشاگری ها نام اکثریت شان پنهان نگهداشته شده - خواست که این سرمایه ها را از پاناما خارج نکنند.

آن چه که به طور خلاصه تاکنون و رسماً در جریان افشاگری سازمان یافته این بزرگترین رسوایی سرمایه داران حاکم و دولت ها و نخبگان و نمایندگان آن ها رو شده و ادعا شده که تحقیق در باره آن یک سال طول کشیده ، عبارت از این است که یک لیست متنوع و طولانی شامل معروف ترین و بزرگ ترین سرمایه داران جهانی ، ۱۵۰ تن از سیاست مداران فعلی و سابق - که نیمی از آن ها هنوز رئیس دولت هستند - چهره های ورزشی و هنری در نظام سرمایه داری با تأسیس هزاران شرکت جعلی و دروغین در پاناما برای سال های متمادی از پرداخت مالیات، به طور "قانونی" معاف شده و در واقع سیستم حاکم ، یک "بهشت مالیاتی" برای سوداندوزی هر چه بیشتر در اختیار آنان گذارده است.

در این افشاگری از یک مؤسسه حقوقی پانامائی به اسم "موساک فونسکا" نام برده شده که با کسب دستمزد و در زیر سایه و حمایت قدرت دولتی در این کشور، بیش از ۲۰۰ هزار شرکت و مؤسسه جعلی و کاغذی را با ایجاد یک صندوق پستی برای هر یک در پاناما به ثبت رسانده تا آن جا که این شرکت های صوری به "شرکت های صندوق پستی" معروف شده اند. "موساک فونسکا" به این ترتیب صاحبان این شرکت ها را قادر ساخته تا در چارچوب "قانون"، بزرگ ترین خلاف های غیر قانونی و اعمال ضد مردمی و غارتگرانه خود را با آزادی کامل به پیش ببرند. بخش مهم تر از "خدمات" گران بهای این مؤسسه به مشتریان خود اعطای حق برخورداری از عدم تقحص و تحقیق در حساب ها و اصولاً عملکرد سرمایه های متعلق به آنان توسط مراجع قانونی می باشد.

در افشاگری سازمان یافته اخیر، یکی از نقاط تمرکز بر "فرار مالیاتی" سرمایه داران و سیاست مداران و محدود ساختن تبهکاری آنان به این مورد بوده است. در حالی که پرداختن مالیات از طرف بورژواهای رذل و دندان گرد که از قبیل کار و زحمت دیگران ارتزاق می کنند، تنها بخش بسیار کوچکی از امتیازاتی است که سرمایه های در گردش در پاناما از آن برخوردار بوده اند. جذب سرمایه های به بغما رفته از کیسه کارگران و زحمت کشان در سراسر دنیا به این حساب ها، پولشویی سیستماتیک، در اختیار قرار دادن امکان دور زدن "تحریم ها" مثلاً در مورد جمهوری اسلامی، معاملات قاچاق، تغذیه مالی و تسلیحاتی دار و دسته های وابسته به امپریالیسم از طریق این شرکت ها و بسیاری دیگر از فعالیت های اقتصادی که امکان پیشبرد بزرگترین سیاست های ضد خلقی را در اختیار کارتل ها و دولت های امپریالیستی قرار می دهند، بخش هایی هستند که در "اسناد" افشاء شده "پاناما" به طور کلی به آن ها پرداخته شده است. به واقع، درست جزئیات و حقیقت همین بخش های حساس است که سعی می گردد تا از افکار عمومی استتار گردند.

از سوی دیگر گفته می شود که افشاگری های تا کنونی حاصل "درز" کردن یازده و نیم میلیون سند "محرمانه" از این شرکت مخوف به "بیرون" می باشد. اما هنوز معلوم نیست که این اسناد که طبیعتاً با توجه به ماهیت شان فوق محرمانه تلقی می شدند، چگونه "درز" کرده و هویت عاملان درز این اسناد به بیرون چیست؟ اما همین ادعا به نوبه خود از توانایی قدرت و یا قدرت های بزرگی خبر می دهد که به عنوان موتور محرک در پشت این افشاگری ها قرار دارند.

دستگاه های تبلیغاتی سیستم امپریالیستی که در جریان این افشاگری ماسک قهرمان و طرفدار حقیقت به چهره زده اند، در تبلیغات روزمره خود هیچ علاقه ای به کند و کاو در عمق این رسوائی و **ماهیت تمام افراد و به ویژه قدرت های اصلی** که در آن درگیر بوده اند را نشان نمی دهند. این واقعیت نیز به نوبه خود نشان گر آن است که آن چه که این روزها به عنوان بزرگترین افشاگری تاریخ از آن نام برده می شود به قولی تنها نوک یک کوه یخ در اقیانوس را نشان می دهد. نیروهائی که در ورای این "افشاگری" مهندسی شده قرار دارند **تاکنون** با خست تمام از افشای حجم و مبلغ سرمایه های مورد بحث - که در واقع بخش اعظم آن ثروت های ملی متعلق به اکثریت توده های غارت شده بوده - و با استفاده از این امکانات به "بهشت سرمایه داران" منتقل شده اند نیز خودداری کرده اند. اما وجود نام غول های عظیم مالی نظیر بانک "اچ اس بی سی" انگلستان و بانک سوئیس در این اسناد و یا اشاره به نام بزرگ ترین سیاست مداران ضد خلقی حاکم از ملک سلمان، پادشاه عربستان گرفته تا رئیس جمهور اوکراین و گردانندگان امپراتوری پوتین و از مقامات حاکم بر چین، یکی از غول های اقتصادی دنیا گرفته تا نخست وزیر ایسلند و انگلستان، یا دبیرکل سابق سازمان ملل (کوفی عنان) و بالاخره مقامات رژیم ضد خلقی و وابسته جمهوری اسلامی نظیر احمدی نژاد در این رسوائی نشانگر عمق و وسعت فساد در سیستم امپریالیستی حاکم است که اسناد پاناما تنها گوشه هایی از آن را نشان داده است. بنا بر برخی از گزارشات منتشره، حجم ثروت هائی که سالانه از به ویژه کشورهای "در حال توسعه" (جوامع تحت سلطه و وابسته ای نظیر ایران) به خارج هدایت شده و به طور مخفی در بهشت های مالیاتی نظیر پاناما مستقر شده اند، به یک هزار میلیارد دالر سر می زند.

این نه اولین و نه آخرین باری است که در شرایط خاصی و از جمله بر بستر رشد تضاد های درونی بین استثمارگران و غارتگران حاکم، نمونه هائی از رسوائی ناشی از دزدی های سرمایه داران و تبهکاری های مالی سیستماتیک و نهادینه شده در نظام سرمایه داری در معرض دید توده های تحت ستم قرار می گیرد. اما یکی از ویژگی هائی که افشاگری کنونی را مهم و برجسته می سازد، توجه به شرایط عمومی نظام سرمایه داری جهانی و بحران عمیقی است که این رسوائی در متن آن علنی می گردد؛ بحرانی که نفس صدها میلیون تن از توده های ستم دیده تحت حاکمیت امپریالیسم

را بریده و زندگی آن ها را در چنگال فقر و بیکاری و گرسنگی و آتش جنگ و ناامنی تدریجاً منهدم کرده است. افشای وجود صدها میلیارد دالر ثروت های از مالیات معاف شده یک اقلیت زالو صفت و انگل طبقه حاکم در کشور پاناما در شرایطی ست که میلیون ها کارگر بنگله دیشی ، ویتنامی ، چینی ، ایرانی و افریقائی در زیر نظم استثمارگرانه موجود محکوم به کار مشقت بار با سخت ترین شرایط و دستمزدهای بخور و نمیر، گاه در حد برابر با چند سنت در ساعت برای سیر کردن شکم خود و خانواده های شان می باشند. این ثروت های غارت شده و موجود در حساب های بانکی در یکی از بهشت های متعلق به سرمایه داران آزمند یعنی پاناما در حالی بر روی هم انباشته شده که روزانه هزاران تن از توده های محکوم به زندگی در زیر خط فقر و فنا در جهنم سرمایه داری و کودکان آن ها از گرسنگی و بیماری و قحطی و تشنگی می میرند و کمتر کسی از آن مطلع می شود. در حالی که تنها چند درصد ناچیز از همین ثروت های انباشته شده برای نجات جان تمامی این انسان های محروم کفایت می کند. اما سرمایه داران لاشخور و درنده خوی حاکم که خود مسبب وجود چنین وضعیتی می باشند ، با بی شرمی تمام از "کمبود منابع مالی" و "سرمایه" برای برکندن این فجایع دم می زنند و در عوض هر روز با تصویب قوانین ضد خلقی برنامه های ریاضت اقتصادی را بر توده ها تحمیل کرده و خواهان استثمار شدیدتر کارگران و زحمتکشان و پرداخت مالیات های بیشتر از سوی آنان و "انعطاف نیروی کار" می گردند و در همین حال ضرورت بازگشت به "اصول اخلاقی" و "درست کاری" در جامعه را موعظه می کنند.

از طرف دیگر یکی از جلوه های بارز بحران سرمایه داری جهانی ، شعله ور شدن هر چه وسیع تر جنگ های امپریالیستی می باشد ، جنگ هایی که توسط قدرت های امپریالیستی و دار و دسته های وابسته به آنان نظیر القاعده و داعش برافروخته شده و زندگی صد ها میلیون تن از توده های محروم در سوریه و عراق و لیبیا و یمن و افغانستان... را با عواقبی نظیر مرگ و گرسنگی و آوارگی و مهاجرت در خود می سوزاند. سودهای ننگین ناشی از این جنگ ها که با شدت تمام ادامه دارند ، به جیب همان طبقه سرمایه دار حاکم می رود که امروز رقابت آن ها با یکدیگر موجب افشای اسناد مورد بحث گردیده است.

با اندکی توجه می توان دید که به واقع پولی که خون خواران حاکم با استفاده از پناه گاه های مالیاتی خویش در چهار گوشه جهان از جمله پاناما آن را "مشروع" ساخته و ذخیره می کنند ، پول دسترنج کارگران و زحمتکشان و پول خون توده هایی است که در جنگ های وحشیانه و بی رحمانه امپریالیستی کنونی بر زمین ریخته می شود.

با توجه به آن چه شرحش رفت، حال سؤال اصلی این جاست که در ورای کارزار "اسناد پاناما" چه نیرو ها و طبقاتی قرار دارند و از افشای اسناد پاناما کدام اهداف مادی تعقیب می گردد؟ آیا آن طور که روایات رسمی در صدد حفته به افکار عمومی هستند ، افشاگری های اخیر نتیجه کار گروهی از ژورنالیست های "آزادخواه" بوده که صرفاً برای افشای حقیقت این اسناد را منتشر ساخته اند؟ و یا این که این کار، یک افشاگری مهندسی شده در جهت تأمین منافع بخشی از سرمایه داران و در جهت پوشاندن یک حقیقت بزرگ تر است؟

کنکاش در منبع اصلی افشای اسناد و علنی کردن آن ها نشان می دهد که افشاگری های اخیر ظاهراً از سوی یک مؤسسه به نام "کنسرسیوم بین المللی روزنامه نگاران تحقیقی" (ICIG) صورت گرفته که مقر آن ها در واشنگتن است. اما نگاهی به تأمین کنندگان مالی این "گروه روزنامه نگاری" و سوابق آن شکی در این باقی نمی گذارد که کنسرسیوم مزبور یکی از ابزارهای ژورنالیستی خدمتگزار دولت امریکا و پیش برنده سیاست های توسعه طلبانه آن در سطح جهانی می باشد. بنا به گزارشاتی که در کوران رسوائی پاناما و در چارچوب تضادهای درونی سرمایه داران حاکم ، منتشر شده ، روشن گردیده که بزرگ ترین و سرشناس ترین گروه های مالی و سرمایه داران امریکا نظیر "بنیاد

فورد"، "راکفلر" و "کلاگ" و یا میلیاردر حامی کمپین هیلری کلینتن به نام "جورج سوروس" حامیان مالی اصلی "کنسرسیوم بین المللی روزنامه نگاران تحقیقی" یعنی مؤسسه ای می باشند که امر انتشار و افشای مهندسی شده اسناد پاناما را به پیش می برد. این امری پوشیده نیست که کنسرسیوم مزبور یکی از ابزارهای تبلیغاتی امپریالیسم امریکا در سطح بین المللی ست که از سوی "آژانس امریکا برای توسعه بین المللی" (USAID) یعنی یکی از نهادهای نزدیک به سازمان جاسوسی امریکا (CIA) نیز حمایت می گردد. از روی ماهیت همین "حامیان" می توان به ماهیت واقعی افشاء کنندگان پی برد و می توان بخشی از دلیل این واقعیت را درک کرد که چرا در جریان "افشاگری" های اخیر، تاکنون بیش تر، مخالفان امریکا و قدرت های متنازع با این دولت هدف قرار گرفته اند.

تا آن جا که به نتایج این افشاگری و اهداف آن باز می گردد نیز باید گفت که رویدادهای تاکنونی نشان داده اند که نخستین نتیجه این افشاگری مهندسی شده و با برنامه ایجاد یک زمین لرزه در بهشت امن سرمایه های جهانی متمرکز شده در پاناما بوده است. انعکاس این واقعیت در اظهارات رؤسای "موساک فونسکا" نیز مشهود است. تا جایی که یکی از گردانندگان شرکت مزبور افشاگری اخیر را "حمله به پاناما" نامیده و گفته است که "تعدادی از کشورها، وضعیت رقابتی ما در جذب شرکتها را بر نمی تابند." بدون شک این اظهار نظر دور از حقیقت نیست و با توجه به وجود نهاد هائی هم چون "بنیاد فورد"، "راکفلر" و "کلاگ" در پشت سر افشاء کنندگان این اسناد، می توان کسانی را که از این افشاگری بیش ترین سود را می برند، بهتر شناخت.

این امر پوشیده ای نیست که در سال های اخیر دولت امریکا برای ایجاد شرایط لازم به منظور جذب هر چه بیشتر سرمایه های غیر امریکائی به سیستم بانکی امریکا، به سیاست مشابهی روی آورده و شروع به ایجاد بهشت های مالیاتی کرده است. برای نمونه اکنون در برخی از ایالات امریکا نظیر "نوادا"، "دلایور"، "داکوتای جنوبی" و "وایومینگ" قوانینی به تصویب رسیده است که می توان در آن جا به افتتاح حساب های بانکی پرداخت که اطلاعات آن ها کاملاً "محرمانه" باقی مانده و از هر گونه "بازرسی قانونی"، "مصون" می باشند یعنی درست مثل همان وضعیت کثیفی که دولت پاناما برای سرمایه داران جهانی ایجاد کرده بود. صاحبان این گونه حساب ها به گزارش نشریه المانی "یونگه ولت" مجاز به انجام "هر کاری" هستند. بنابراین واضح است که در نتیجه افشاگری های اخیر، سرمایه های موجود در پاناما به سوی امریکا سرازیر شوند چرا که دولت امریکا قادر است با جذب مشتریان تازه، همان تسهیلات و خدمات ضد مردمی و کثیف ارائه شده توسط پاناما را در داخل امریکا در اختیار سرمایه داران قرار دهد. به عبارت دیگر عواقب بسیار بزرگ ناشی از افشای مهندسی شده اسناد پاناما از سوی محافل قدرت در امریکا امکان چشمگیری برای انتقال حجم عظیمی از سرمایه هائی که در جریان گردش کار سیستم سرمایه داری انباشته شده اند به بانک های امریکا را فراهم کرده است. امری که به ویژه در شرایط بحران و رکود، ابزار مؤثری برای تقویت اقتصاد بیمار امریکا در اختیار این کشور می گذارد.

اسناد پاناما و افشای آن، باز هم گوشه ای از رسوائی های مالی و فساد ذاتی نظام سرمایه داری یک درس دیگر برای تمامی انسان های آزادی خواه و نیروهای مبارزی که در تمام جهان با سودای نابودی این نظام و برقراری یک نظام دمکراتیک و انسانی و عاری از ظلم و ستم تلاش و مبارزه می کنند، دارد. رسوائی کنونی سرمایه داران و نظام نکبت زده و بیمارشان بار دیگر حقانیت مارکسیسم و کمونیسم را که بر ضرورت انقلاب علیه این نظام ضد خلقی تأکید می کند، یادآور می شود. در جهانی که تحت سلطه امپریالیسم می باشد، مناسبات پوسیده و بیمار سرمایه داری در تمام جوانب حیات خویش، جلو رشد و ترقی جامعه و برقراری یک نظام عادلانه را سد کرده است. این امر روشنی است که سرمایه داری هرگز قادر به اصلاح ماهیت خود نیست و در این سیستم امکان برقراری یک جامعه آزاد و دمکراتیک

که در آن فقر و نابرابری و ستم و سرکوب و جنگ از بین رفته و حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تمامی انسان ها خارج از رنگ و نژاد و دین و... به رسمیت شناخته شود ، وجود ندارد. این سیستم هیچ چشم اندازی جز گرسنگی و فقر و سرکوب بیشتر در مقابل ۹۹ درصد مردم جوامع بشری قرار نمی دهد. چرا که سرمایه داری نظامی است که در آن بدون فقر و فلاکت اکثریت جمعیت جامعه امکان سود اندوزی و انباشت سرمایه مهیا نمی شود. به رغم مواعظ مرتجعین مدافع نظام سرمایه داری ، تاریخ "پایان" نیافته بلکه در مسیر حرکت رو به جلوی خود با همه قدرت ، ضرورت نابودی این سیستم فاسد و ضد خلقی و یک انقلاب اجتماعی گسترده را با تمام وجود فریاد می زند. افشای فساد مالی اخیر تنها یکی از نشانه های پوسیدگی و زوال سیستم ضد خلقی و وحشی سرمایه داری می باشد، سیستمی که بر ویرانه های آن طبقه کارگر امکان برقراری جامعه آزاد و دموکراتیک خود را خواهد یافت.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۰۲ ، فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۵